

احکام وکالت

احکام وکالت

وکالت آن است که انسان کاری را که می تواند در آن دخالت کند به دیگری واگذار نماید تا از طرف او انجام دهد، مثلاً کسی را وکیل کند که خانه او را بفروشد یا زنی را برای او عقد نماید پس آدم سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می کند اگر حاکم شرع او را از تصرف منع کرده یا در حالی که بالغ شده سفیه بوده نمی تواند برای فروش مال خودش، کسی را وکیل نماید.

۲۲۵۷ در وکالت لازم نیست صیغه بخوانند و اگر انسان به دیگری بفهماند که او را وکیل کرده و او هم بفهماند قبول نموده، مثلاً مال خود را به کسی بدهد که برای او بفروشد و او مال را بگیرد وکالت صحیح است.

۲۲۵۸ اگر انسان کسی را که در شهر دیگر است وکیل نماید و برای او وکالتنامه بفرستد و او قبول کند اگرچه وکالتنامه بعد از مدتی برسد وکالت صحیح است.

۲۲۵۹ موکل یعنی کسی که دیگری را وکیل می کند، و نیز کسی که وکیل می شود باید بالغ و عاقل باشند و از روی قصد و اختیار اقدام کنند و بچه ممیز هم اگر فقط در خواندن صیغه وکیل شده باشد و صیغه را با شرایطش بخواند صیغه ای که خوانده صحیح است.

۲۲۶۰ کاری را که انسان نمی تواند انجام دهد، یا شرعاً نباید انجام دهد نمی تواند برای انجام آن از طرف دیگری وکیل شود، مثلاً کسی که در احرام حج است چون نباید، صیغه عقد زناشویی را بخواند، نمی تواند برای خواندن صیغه از طرف دیگری وکیل شود.

۲۲۶۱ اگر انسان کسی را برای انجام تمام کارهای خودش وکیل کند صحیح است. ولی اگر برای یکی از کارهای خود وکیل نماید و آن کار را معین نکند وکالت صحیح نیست.

۲۲۶۲ اگر وکیل را عزل کند یعنی از کار بر کنار نماید بعد از آن که خبر به او رسید نمی تواند آن کار را انجام دهد. ولی اگر پیش از رسیدن خبر آن کار را انجام داده باشد صحیح است.

۲۲۶۳ وکیل می تواند از وکالت کناره بگیرد و اگر موکل غایب هم باشد اشکال ندارد.

۲۲۶۴ وکیل نمی تواند برای انجام کاری که به او واگذار شده دیگری را وکیل نماید ولی اگر موکل به او اجازه داده باشد که وکیل بگیرد به هر طوری که به او دستور داده، می تواند رفتار نماید، پس اگر گفته باشد: برای من وکیل بگیر باید از طرف او وکیل بگیرد و نمی تواند کسی را از طرف خودش وکیل کند.

۲۲۶۵ اگر انسان با اجازه موکل خودش، کسی را از طرف او وکیل کند نمی تواند آن وکیل را عزل نماید و اگر وکیل

اول بمیرد یا موکل، او را عزل کند وکالت دومی باطل نمی شود.

۲۲۶۶ اگر وکیل با اجازه موکل، کسی را از طرف خودش وکیل کند موکل و وکیل اول می توانند آن وکیل را عزل کنند و اگر وکیل اول بمیرد یا عزل شود وکالت دومی باطل می شود.

۲۲۶۷ اگر چند نفر را برای انجام کاری وکیل کند و به آنها اجازه دهد که هر کدام به تنهایی در آن کار اقدام کنند، هر يك از آنان می تواند آن کار را انجام دهد و چنانچه یکی از آنان بمیرد وکالت دیگران باطل نمی شود، ولی اگر نگفته باشد که با هم یا به تنهایی وکیل است که انجام دهد و از حرفش هم معلوم نباشد که می توانند به تنهایی انجام دهند، یا گفته باشد که با هم انجام دهند، نمی توانند به تنهایی اقدام نمایند. و در صورتی که یکی از آنان بمیرد وکالت دیگران باطل می شود اگر با هم وکیل شده باشند.

۲۲۶۸ اگر وکیل یا موکل بمیرد یا دیوانه همیشگی شود وکالت باطل می شود و نیز اگر گاه گاهی دیوانه شود و یا بیهوش شود بنابر احتیاط واجب باید به معامله ای که انجام می دهد ترتیب اثر ندهند و نیز اگر چیزی که برای تصرف در آن وکیل شده است از بین برود، مثلاً گوسفندی که برای فروش آن وکیل شده بمیرد وکالت باطل می شود.

۲۲۶۹ اگر انسان کسی را برای کاری وکیل کند و چیزی برای او قرار بگذارد بعد از انجام آن کار، چیزی را که قرار گذاشته باید به او بدهد.

۲۲۷۰ اگر وکیل در نگهداری مالی که در اختیار او است کوتاهی نکند و غیر از تصرفی که به او اجازه داده اند تصرف دیگری در آن ننماید و اتفاقاً آن مال از بین برود نباید عوض آن را بدهد.

۲۲۷۱ اگر وکیل در نگهداری مالی که در اختیار او است کوتاهی کند، یا غیر از تصرفی که به او اجازه داده اند تصرف دیگری در آن بنماید و آن مال از بین برود ضامن است. پس اگر لباسی را که گفته اند بفروش، بپوشد و آن لباس تلف شود باید عوض آن را بدهد

۲۲۷۲ در مال بکند مثلاً لباسی را که گفته اند بفروش، بپوشد و بعداً تصرفی را که به او اجازه داده اند بنماید آن تصرف صحیح است.